

[مختار مرحوم آخوند 1](#_Toc89289533)

[مطالب اربعه در کلام مرحوم آخوند 1](#_Toc89289534)

[مطلب اول مرحوم آخوند: ادعای تعارض 2](#_Toc89289535)

[جواب مرحوم نائینی 2](#_Toc89289536)

[اشکال استاد به مرحوم نائینی و دفاع از مرحوم آخوند 2](#_Toc89289537)

[نقد کلام منتقی الاصول توسط استاد 2](#_Toc89289538)

[مطلب دوم: لزوم تصرف بنا بر تداخل 3](#_Toc89289539)

[مطلب سوم مرحوم آخوند 4](#_Toc89289540)

[مطلب چهارم مرحوم آخوند 4](#_Toc89289541)

**موضوع**: تنبیه سوم /مفهوم شرط /مفاهیم

**تنبیه سوم: تعدد شرط و اتحاد جزا: تداخل یا عدم تداخل**

بحث در این بود که در تعدد شرط و اتحاد جزاء اگر شروط مجتمع شدند آیا چند تکلیف را باید امتثال کنیم که اسم آن عدم تداخل است و یا این که متعلق تکلیف را یک بار امتثال کنیم کفایت می­کند که اسم آن تداخل است؟ حالا یا تداخل اسباب یا مسببات.

## مختار مرحوم آخوند

مرحوم آخوند فرمود: ما نیازی به تصرف نداریم. احتیاجی به ارتکاب خلاف ظاهر را نداریم. ما می­توانیم جمله شرطیه را بر ظهورش باقی بگذاریم و قائل به عدم تداخل هم بشویم. قائلین به تداخل باید تصرف کنند و خلاف ظاهر است.

ایشان مدعی است: مثلا ان مسست میتا فاغتسل، ان اجنبت فاغتسل ظاهرش این است یک بار دیگر غسل کن. یک معارضه داریم ؛ولی بدوی است. خود تعدد شرط قرینه است بر این که طبیعت در وقتی که شرط تکرار می­شود، برای یک بار دیگری است و حکم بر طبیعت باقی نمی­ماند. در جلسه قبل مقداری در این مورد صحبت کردیم و تتمه بحث در آخر خواهد آمد.

## مطالب اربعه در کلام مرحوم آخوند

مرحوم آخوند چهار مطلب را در کلماتش مطرح کرد.

### مطلب اول مرحوم آخوند: ادعای تعارض

جمله شرطیه و جزائیه در این مواردی که اجتماع شرط شده است، یک تعارضی دارند. تعدد شرط اقتضای اثنینیت تکلیف دارد و اطلاق جزاء مقتضی وحدت تکلیف است. یک تعارضی بین ظهوری که از تعدد شرط به دست می­آید با ظهوری که از وحدت متعلق حکم در جزاء به دست می­آید، وجود دارد. فاغتسل ظهور در این دارد که طبیعت را می­خواهم و تعدد شرط می­گوید باید دو حکم باشد. این مطلب در تحقیقی که داشت مطرح شده بود.

#### جواب مرحوم نائینی

مرحوم نائینی فرموده است که تعارضی در کار نیست و این که جزاء ظهور در وحدت حکم دارد، درست نیست. جزاء ظهور در وحدت حکم ندارد. جزاء حکم را برای طبیعت ثابت کرده است طبیعت با وحدت و تعدد می­سازد. در گذشته این مطلب ذکر شد که امر بر مره و تکرار دلالتی ندارد و این که یک بار کافی است به خاطر این است که طبیعت با یک بار محقق می­شود. پس در محل کلام دو تا طبیعت هست و دو حکم هم وجود دارد و با تعدد شرط هم مشکلی وجود ندارد.

#### اشکال استاد به مرحوم نائینی و دفاع از مرحوم آخوند

مرحوم آخوند می­گفت که ظهور جزاء در وحدت حکم است تا شما بگویید وحدت از کجا آمده است؟ ایشان مدعی است که امر به طبیعت تعلق گرفته و مره و تکرار خارج از مدلول است؛ ولی می­گفت وقتی که امر به این طبیعت تعلق گرفت اگر بخواهد دوباره امر به آن تعلق بگیرد، اجتماع مثلین است. ایشان برای وحدت یک مقدمه دیگری اضافه می­کرد. یعنی دو تا شرط داریم به ضمیمه این مقدمه که حدوث عند الحدوث مقتضی تعدد است و از طرفی هم یک جزاء به صورت واحد داریم، به خاطر این که اجتماع مثلین محال است، مقتضی وحدت است. به ضمیمه این مقدمه مرحوم آخوند وحدت را درست می­کرد. شما باید این مقدمه را از مرحوم آخوند بگیرید که اجتماع مثلین لازم نمی­آید.

خود مرحوم آخوند در حلی که دارد می­خواهد بگوید که اجتماع مثلین لازم نمی­آید و الا اگر گفتیم اجتماع مثلین معقول نیست همین فرمایش مرحوم آخوند درست است که تعارض لازم می­آید.

#### نقد کلام منتقی الاصول توسط استاد

منتقی الاصول فرموده است: تعارض هست و حرف نائینی درست است چرا که متعلق، طبیعت است. فرمایش نائینی به ضم اجتماع مثلین، تعارض هست.

ایشان به بیان دیگری می­گوید تعارض نیست: این که آخوند گفته است تعارض وجود دارد؛ چون که جزاء وحدت را می­گوید مقصودش این نیست که خود حکم وحدت را می­گوید تا شما بگویید امر دلالت بر وحدت ندارد. آخوند می­گوید: متعلق به خاطر این که طبیعت است وحدت را آورده است نه خود حکم.

ما این گونه صحبت نمی­کنیم. اگر حکم را ضمیمه نکنیم، متعلق خودش وحدت آور نیست. ما می­گوییم متعلق، طبیعت است به ضمیمه این که اجتماع مثلین محال است. پس مدلول جزاء حکم واحد است. حکم واحد نه از امر تنها آمده است که مرحوم نائینی می­گوید و نه از متعلق تنها آمده است. بلکه از امر به متعلق به ضمیمه این که اجتماع مثلین محال است.

ما باید مشکل اجتماع مثلین را حل کنیم و الا تعارضی که مرحوم آخوند فرموده تمام است.

### مطلب دوم: لزوم تصرف بنا بر تداخل

مطلب دومی که مرحوم آخوند فرمود این بود: کسانی که قائل به تداخل هستند باید تصرفی انجام بدهند یا در حدوث عند الحدوث تصرف کنند یعنی آن را انکار کنند و یا بگویند دو طبیعت داریم. غسل جنابت یک حقیقت و غسل مس میت یک طبیعت دیگری است و یا بگویند که حادث موجب تاکید می­شود. در حالی که این گونه نیست. اگر راه اول را بپیمایند یعنی ظهور جمله شرطیه در حدوث عند الحدوث قبول نداریم بلکه ثبوت عند الثبوت است. اگر ثبوت عند الثبوت باشد، نتیجه تداخل نیست کما این که ظاهر کلام مرحوم آخوند این است که نتیجه تداخل است. هر چند عدم تداخل از بین می­رود ولی تداخل ثابت نمی­شود. مثلا اول مس میت بوده و بعد جنب می­شود معنایش این نیست که وجوب غسل جنابت حادث می­شود تا دو تا بشود بلکه وجوب غسل ثابت است حالا یا به همین اخیر یا به قبلی.

برای توضیح بیشتر: نسبت به تاکیدی بودن واضح است که تداخل حاصل شده است. صحبت این است که تصرف اول این توان را دارد یا نه؟ به نظر ما این توان را ندارد. فقط می­گوید حدوث عند الحدوث نیست حالا شما فرض کنید جزاء اول محقق شد و بعد دومی که محقق شد نمی­گوید وجوب غسل حادث شد بلکه وجوب غسل ثابت است حالا اعم است به همین یا به قبلی ثابت است و با هر دو سازگاری دارد.

قائل به تداخل به مجرد این که حدوث عند الحدوث نیست نمی­تواند تداخل را نتیجه بگیرد و ممکن است فاغتسل مرة اخری باشد.

نسبت به تصرف دوم هم ظاهر عبارت مرحوم آخوند این است که همین که دو طبیعت بشوند حل می­شود. یعنی غسل مس میت و جنابت هر کدام یک طبیعت هستند. این مطلب هم اول کلام است. چه کسی می­گوید هر کجا دو طبیعت شد پس در مقام امتثال یکی کافی است. ما در باب غسل دلیل داریم که این گونه است و الا اگر دلیل نداشته باشیم به چه بیانی تداخل ثابت می­شود؟ قرار شد که هر کدام یک حقیقت باشند از کجا معلوم چیزی که امتثال می­شود مصداق دو حقیقت است؟

اضف با اکرم نسبت به محل بحث ما متفاوت است غسل مس میت یک حقیقت است و غسل جنابت به خاطر این که از جنابت به وجود آمده است حقیقت دیگری است حالا از کجا معلوم این دو حقیقت بر این فعل منطبق می­­شود؟

ممکن است شما اصل عملی را مطرح کرنید. اگر نوبت به اصل عملی برسد صحیح است و فرض اول را حل می­کند. یعنی نمی­دانم دو تکلیف یا یکی حادث شده است. یکی قدری متیقن است و از دیگری برائت جاری می­کنم ولی نسبت به تصرف دوم احتیاط جاری می­شود. اشتغال یقینی یستدعی البرائة الیقینی چرا که در مقام امثتال است. در آینده هم می­آید که در تداخل اسباب برائت و مسببات اشتغال است.

### مطلب سوم مرحوم آخوند

مرحوم آخوند در ضمن تصرف دوم فرمود: اگر دو حقیقت باشند و با یک امتثال حاصل بشوند اشکال می­شود که لازمه آن اجتماع مثلین است چرا که یک فعل مَجمَع برای دو وجوب است. اگر مسقط هر دو وجوب است پس مجمع هر دو وجوب است. پس این راه اجتماع مثلین را حل نمی­کند.

بعد جواب داد: اولا اجتماع مثلین لازم نمی­آید چرا که اطلاق وجوب شامل مجمع نمی­شود؛ بلکه مصداق واجب است. ما این مطلب را نفهمیدیم. اگر مصداق واجب است، اطلاق وجوب هم به این تعلق گرفته است. وقتی گفت اذا مسست میتا فاغتسل شامل جایی که جنب شده است هم می­شود و غسل در حال جنابت را هم شامل می­شود. چطور اکرم شامل مورد ضیافت می­شود در این جا هم این گونه است. ایشان گفت هر دو مصداق واجب هستند ولی وجوب به آنها تعلق نگرفته است ما که نفهمیدیم. شاید به خاطر مشکل دار بودن ثانیا را مطرح کرده است.

ثانیا بنا بر اجتماع امر و نهی اشکالی ندارد. کسی نگوید که شما امتناعی هستید؛ چرا که ما راه کسانی که قائل به تداخل هستند را بیان می­کنیم. هر چند که اگر امتتناعی بودیم اجتماع مثلین بود ولی شاید تداخلی قائل به جواز باشد.

### مطلب چهارم مرحوم آخوند

مرحوم آخوند بعد از این که سه راه را بیان کرد فرمود این سه راه خلاف ظاهر هستند. تاکید و ثبوت عن الثبوت و دو حقیقت، خلاف ظاهر هستند. بعد گفت: نسبت به تصرف دوم باید ثابت کند که این ها دو حقیقت هستند. ظاهرش این است که یک حقیقت هستند و دو حقیقت بودن نیاز به اثبات دارد. مثلا ایشان می­خواهد بگوید خیلی بعید است و برهان محکمی می­خواهد. نسبت به تاکید هم باید گفت که اثبات نیاز دارد. احتمال کفایت نمی­کند.

این حرفش درست است که برای اثبات تداخل راه سوم که تاکید است به صورت احتمال کفایت نمی­کند. این که فقط طرف تردید و احتمال قرار بدهیم به تداخل نمی­رسیم اما اینکه بخواهد اشکال زائد و اضافه بر خلاف ظاهر باشد را نمی­فهمیم. این که راه اول یک اشکال و فقط خلاف ظاهر بودن باشد ولی راه سوم دو اشکال باشد را شما فکر کنید. من هم فکر می­کنم. ادامه بحث در جلسه آینده.